۱۰۱ اثر ممتاز
از بزرگان موسیقی جهان

مارتین بوک اسپن

ترجمهٔ علی اصغر بهرام بیگی

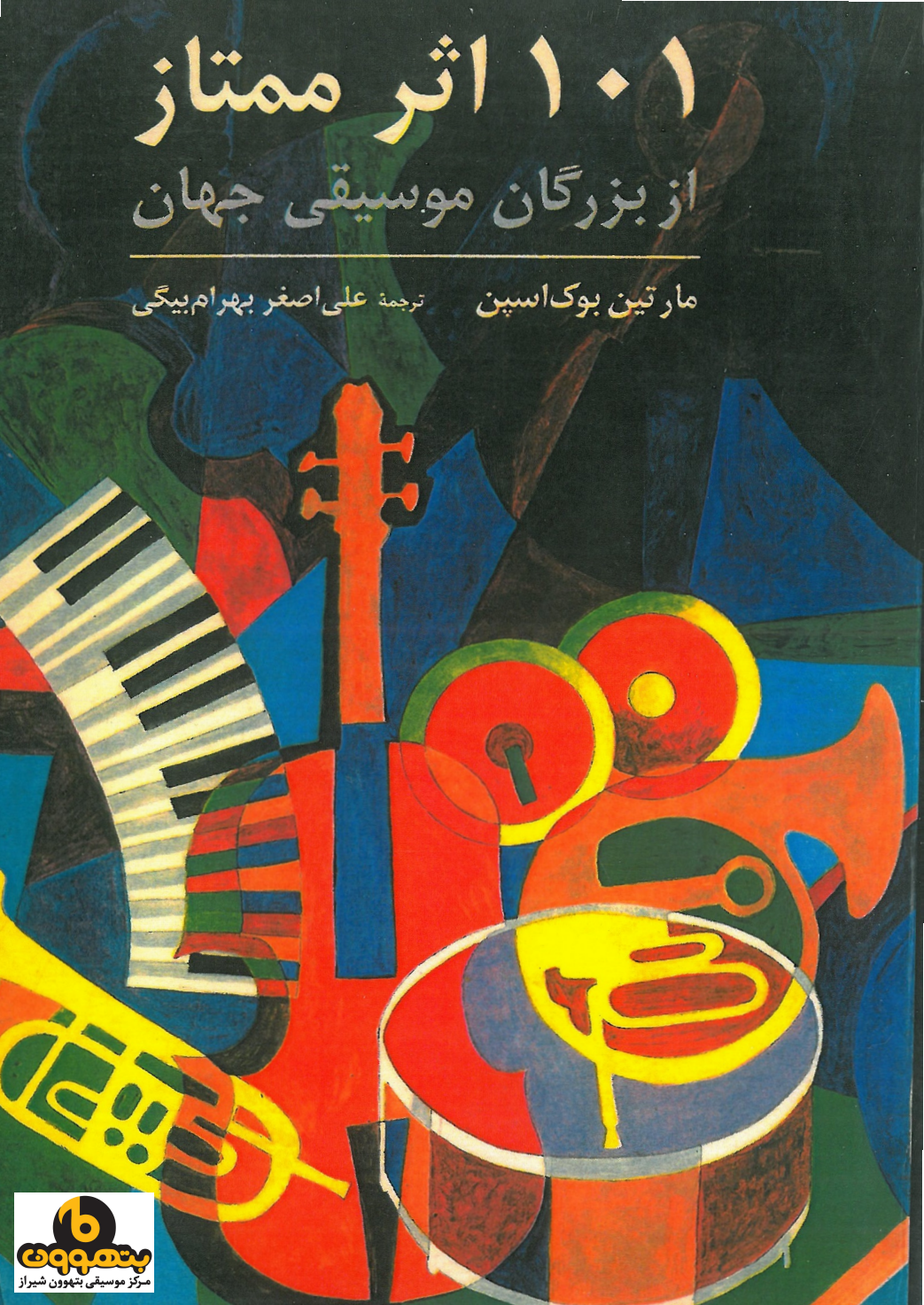

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

مارتین بوک اسپن

۱۰۱ اثر ممتاز از بزرگان موسیقی جهان

ترجمهٔ

علی‌اصغر بهرام‌بیگی

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

فهرست

یادداشت مترجم ۱۱
یوهان سباستیان باخ (Johann Sebastian Bach) ۱۵
کنسرتوهای براندنبورگ (آثار شماره ۱۰۴۶ تا ۱۰۵۱) ۱۹
شاکن (از پارتیتا برای ویلن ــ شماره ۲ ــ اثر شماره ۱۰۰۴) ۲۶
ماگنیفیکات در ر ماژور اثر شماره ۲۴۳ ..... ۳۱

بلابارتوک (Béla Bartok) ۳۶
کنسرتو برای ارکستر ۴۰

لودویگ وان‌بتهوون (Ludwig Van Beethoven) ۴۶
کنسرتوی شماره ۳ برای پیانو در دومینور اپوس ۳۷ ..... ۵۴
کنسرتوی شماره ۴ برای پیانو در سل‌ماژور اپوس ۵۸ ..... ۵۸
کنسرتوی شماره ۵ برای پیانو در می‌بمل‌ماژور اپوس ۷۳ (کنسرتوی امپراتور) ۶۲
کنسرتو برای ویلن در رماژور اپوس ۶۱ ..... ۶۷
سونات پیانوی «مهتاب» شماره ۱۴ در دودیزمینور اپوس ۲۷ ــ شماره ۲ ... ۷۲
سنفنی شماره ۱ در دوماژور اپوس ۲۱ ..... ۷۶
سنفنی شماره ۲ در رماژور اپوس ۳۶ ..... ۸۱
سنفنی شماره ۳ در می‌بمل‌ماژور اپوس ۵۵ سنفنی اروئیکا (قهرمانی) ۸۵
سنفنی شماره ۴ در سی‌بمل‌ماژور اپوس ۶۰ ..... ۹۱
سنفنی شماره ۵ در دومینور اپوس ۶۷ ..... ۹۶

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

سنفنی شماره ۶ در فاماژور اپوس ۶۸ سنفنی پاستورال..... ۹۹
سنفنی شماره ۷ در لاماژور اپوس ۹۲ ..... ۱۰۶
سنفنی شماره ۸ در فاماژور اپوس ۹۳ ..... ۱۱۰
سنفنی شماره ۹ در رمینور اپوس ۱۲۵ سنفنی کورال..... ۱۱۵
تریوی شماره ۶ در سی‌بمل‌ماژور اپوس ۹۷ (آرشیدوک) ۱۲۳

هکتور برلیوز (Hector Berlioz)..... ۱۲۶
قطعهٔ «هرولد در ایتالیا» برای ویولا و ارکستر اپوس ۱۶..... ۱۲۸
سنفنی فانتاستیک اپوس ۱۴ ..... ۱۳۴

ژرژ بیزه (Georges Bizet) ۱۴۲
سنفنی شماره ۱ در دوماژور..... ۱۴۴

یوهانس برامس (Johannes Brahms) ۱۴۸
کنسرتو برای ویلن و ویلن‌سل در لامینور اپوس ۱۰۲..... ۱۵۲
کنسرتو برای پیانو شماره ۱ در رمینور اپوس ۱۵ ..... ۱۵۵
کنسرتو برای پیانو شماره ۲ در سی‌بمل‌ماژور اپوس ۸۳..... ۱۶۱
کنسرتو برای ویلن در رماژور اپوس ۷۷..... ۱۶۶
سنفنی شماره ۱ در دومینور اپوس ۶۸..... ۱۷۲
سنفنی شماره ۲ در رماژور اپوس ۷۳..... ۱۷۶
سنفنی شماره ۳ در فاماژور اپوس ۹۰ ..... ۱۸۰
سنفنی شماره ۴ در می‌مینور اپوس ۹۸ ..... ۱۸۳

آنتون بروکنر (Anton Bruckner)..... ۱۸۸
سنفنی شماره ۷ در می‌ماژور..... ۱۹۰
سنفنی شماره ۹ در رمینور..... ۱۹۵

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

فردریک شوپن (Fréderic Chopin) ۲۰۱
کنسرتوی شماره ۲ برای پیانو در فامینور اپوس ۲۱ ..... ۲۰۳
والس‌ها ۲۰۹

آرون کوپلند (Aaron Copland) ۲۱۵
دو قطعهٔ موسوم به «بیلی‌کید» (Billy Kid) و «رودئو» (Rodeo) ۲۱۸

کلود دبوسی (Claud Debussy) ۲۲۳
ایبریا (شماره ۲ از مجموعهٔ تصاویر برای ارکستر) ۲۲۷
دریا ۲۳۲

آنتونین دورژاک (Antonin Dvořak) ۲۳۷
کنسرتو در سی‌مینور برای ویلن‌سل و ارکستر اپوس ۱۰۴ ..... ۲۴۱
سنفنی شماره ۷ در رمینور اپوس ۷۰ ..... ۲۴۵
سنفنی شماره ۸ در سل‌ماژور اپوس ۸۸ ..... ۲۴۸
سنفنی شماره ۹ در می‌مینور اپوس ۹۵ سنفنی «دنیای نو» ۲۵۲

ادوارد الگار (Edward Elgar) ۲۵۹
واریاسیون‌های «انیگما» (Enigma Variation)، (چیستان) ۲۶۱

سزار فرانک (César Franck) ۲۶۸
سونات در لاماژور برای ویلن و پیانو ۲۷۰
سنفنی در رمینور ۲۷۴

جورج گرشوین (George Greshwin) ۲۸۰
یک آمریکایی در پاریس ۲۸۲
کنسرتو در فاماژور برای پیانو ۲۸۶

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

راپسودی این‌بلو (Rhapsody in Blue) ۲۹۰

ادوارد گریگ (Edward Grieg) ۲۹۵
کنسرتو در لامینور برای پیانو اپوس ۱۶ ..... ۲۹۹

جرج فریدریک هندل (George Frideric Handel) ۳۰۵
اوراتوریوی مسیحا (Messiah) ۳۱۳
قطعه واترمیوزیک (Water Music) (موسیقی بر روی آب) ۳۱۹

فرانتز ژوزف هایدن (Franz Josef Haydn) ۳۲۵
سنفنی شماره ۹۴ در سل‌ماژور سنفنی «غافلگیری» ۳۳۱
سنفنی شماره ۱۰۱ در رماژور سنفنی «ساعت» ۳۳۴
سنفنی شماره ۱۰۴ در رماژور سنفنی «لندن» ۳۳۷

فرانتز لیست (Franz Liszt) ۳۴۳
کنسرتوی شماره ۱ در می‌بمل‌ماژور برای پیانو و ارکستر ۳۴۷

گوستاو مالر (Gustav Mahler) ۳۵۲
سنفنی شماره ۱ در رماژور ۳۵۹
سنفنی شماره ۴ در سل‌ماژور ۳۶۶
سنفنی شماره ۹ در رماژور ۳۷۲

فلیکس مندلسن (Felix Mendelssohn) ۳۸۰
کنسرتو در می‌مینور برای ویلن اپوس ۶۴ ..... ۳۸۵
سنفنی شماره ۳ در لامینور اپوس ۵۶ (سنفنی اسکاتلندی) ۳۹۰
سنفنی شماره ۴ در لاماژور اپوس ۹۰ (سنفنی ایتالیایی) ۳۹۵

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

مدست موسورگسکی (Modest Moussorgsky) ۴۰۰
قطعه «تصاویر یک نمایشگاه» ۴۰۳

ولفگانگ آمادئوس موزار (Wolfgang Amadeus Mozart) ۴۱۰
کنسرتوی شماره ۲۰ در رمینور برای پیانو ک ۴۶۶ ..... ۴۲۰
کوینتت در لاماژور برای کلارینت و سازهای زهی ک ۵۸۱ ..... ۴۲۵
سینفنیا کنسرتانته در می‌بمل‌ماژور برای ویلن و ویولا و ارکستر ک ۳۶۴ . ۴۲۹
سنفنی شماره ۳۵ در رماژور ک ۳۸۵ سنفنی «هافنر» ۴۳۴
سنفنی شماره ۳۹ در می‌بمل‌ماژور ک ۵۴۳ ..... ۴۳۸
سنفنی شماره ۴۰ در سل‌مینور ک ۵۵۰ ..... ۴۴۳
سنفنی شماره ۴۱ در دوماژور ک ۵۵۱ سنفنی «ژوپیتر» ۴۴۸

سرژ پروکوفیف (Serge Prokofiev) ۴۵۳
قطعهٔ پیتر و گرگ اپوس ۶۷ ..... ۴۵۶
سنفنی شماره ۵ اپوس ۱۰۰ ..... ۴۶۰

سرگئی رخمانینف (Sergei Rachmaninoff) ۴۶۵
کنسرتوی شماره ۲ در دومینور برای پیانو اپوس ۱۸ ..... ۴۶۷
کنسرتوی شماره ۳ در رمینور برای پیانو اپوس ۳۰ ..... ۴۷۱

موریس راول (Maurice Ravel) ۴۷۷
دافنه و کلوئه ۴۸۰

نیکلایی ریمسکی کرساکف (Nikolai Rimsky–Korsakov) ۴۸۶
سویت سنفنیک «شهرزاد» اپوس ۳۵ ..... ۴۸۹

شارل کامیل سن‌سانس (Charles Camille Saint–Saëns) ۴۹۷

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

کارناوال حیوانات ۴۹۸
سنفنی شماره ۳ در دومینور اپوس ۷۸ سنفنی «ارگ» ۵۰۴

فرانتز شوبرت (Franz Schubert) ۵۰۹
کوینتت در لاماژور اپوس ۱۱۴ (د ـ ۶۶۷) «قزل‌آلا» ۵۱۳
کوینتت در دوماژور اپوس ۱۶۳ (د ـ ۹۵۹) ۵۱۷
سنفنی شماره ۸ در سی‌مینور (د ـ ۷۵۹) «سنفنی ناتمام» ۵۲۱
سنفنی شماره ۹ در دوماژور (د ـ ۹۴۴) «سنفنی بزرگ» ۵۲۶

روبرت شومان (Robert Schumann) ۵۳۶
کنسرتو در لامینور برای ویلن‌سل و ارکستر اپوس ۱۲۹ ..... ۵۳۹
کنسرتو در لامینور برای پیانو و ارکستر اپوس ۵۴ ..... ۵۴۳
سنفنی شماره ۱ در سی‌بمل ماژور اپوس ۳۸ «سنفنی بهار» ۵۴۸

دیمیتری شوستاکویچ (Dimitri Schostakovich) ۵۵۳
سنفنی شماره ۱ در فاماژور اپوس ۱۰ ..... ۵۵۵
سنفنی شماره ۵ اپوس ۴۷ ..... ۵۶۰

ژان سیبلیوس (Jean Sibelius) ۵۶۶
سنفنی شماره ۱ در می‌مینور اپوس ۳۹ ..... ۵۶۸
سنفنی شماره ۲ در رماژور اپوس ۴۳ ..... ۵۷۲
سنفنی شماره ۵ در می‌بمل‌ماژور اپوس ۸۲ ..... ۵۷۸

بدریش اسمتانا (Bedřich Smetana) ۵۸۳
پوئم سنفنیک «ملداوا» (از مجموعهٔ پوئم سنفنیک‌های «میهن من») ۵۸۶

ریچارد اشتراوس (Richard Strauss) ۵۸۹

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

دون‌ژوان اپوس ۲۰ ..... ۵۹۳
تیل‌اولنشپ گل اپوس ۲۸ ..... ۵۹۸

ایگور استراوینسکی (Igor Stravinsky) ۶۰۲
پتروشکا ۶۰۷
تقدیس بهار ۶۱۳

پیتر ایلیچ چایکوفسکی (Peter Ilyitch Tchaikosky) ۶۲۱
کنسرتوی شماره ۱ در سی‌بمل‌مینور برای پیانو و ارکستر اپوس ۲۳ ..... ۶۲۵
کنسرتوی در رماژور برای ویلن و ارکستر اپوس ۳۵ ..... ۶۳۲
سویت فندق‌شکن اپوس ۷۱ ..... ۶۳۷
سرناد در دوماژور برای سازهای زهی اپوس ۴۸ ..... ۶۴۱
سنفنی شماره ۴ در فامینور اپوس ۳۶ ..... ۶۴۵
سنفنی شماره ۵ در می‌مینور اپوس ۶۴ ..... ۶۵۰
سنفنی شماره ۶ در سی‌مینور اپوس ۷۴ «پاتتیک» ۶۵۶

آنتونیو ویوالدی (Antonio Vivaldi) ۶۶۲
قطعه «چهار فصل» اپوس ۸ ..... ۶۶۴

واژه‌نامه ۶۷۱
فهرست رهبران ارکستر، تکنوازان و ارکسترهایی که در این کتاب از آنها سخن به میان آمده است ۳

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

یادداشت مترجم

این کتاب، گلچینی از آثار آهنگسازان بزرگ است. گلچینی که در آن سعی شده تا آنجا که امکان‌پذیر باشد، والاترین و محبوبترین آثار آنان گردآوری و معرفی شود. در مجموع، از سی و شش آهنگساز سخن به میان آمده که تاریخ سه قرن موسیقی کلاسیک را پرداخته‌اند: از ویوالدی تا شوستاکویچ. قسمت اعظم این آهنگسازان از اروپا برخاسته‌اند؛ ولی مؤلف نظری هم به زادگاه خویش معطوف ساخته و تنی چند از آهنگسازان آمریکایی را نیز که در آثارشان اصالت و نفاستی مشهود افتاده معرفی کرده است. به یاد داشته باشیم که شمار آهنگسازان موسیقی کلاسیک از دوران باروک تا امروز از یکصد تن بسی فراتر می‌رود و در این کتاب از اپراسازان هم چندان سخنی به میان نیامده و از گنجینهٔ پرغنای اپرا اثری معرفی نشده؛ زیرا که این مقال به کتابی جداگانه نیاز دارد.

نوبت به هر آهنگساز که رسیده، مؤلف نخست به ایجاز دربارهٔ زندگی وی شرحی نگاشته و سپس یک یا چند اثرش را معرفی کرده است. به نظر می‌آید که معیار مؤلف در گزینش آثار هر آهنگساز، چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی، نه‌فقط ذوق و سلیقهٔ خاص خود وی بلکه امکاناتی بوده که از نظر اجراهای ضبط‌شدهٔ آثار در اختیار داشته است. معیاری که بدون تردید، استقبال علاقه‌مندان به موسیقی کلاسیک و ملاحظات بازار عرضه

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

و فروش صفحات و کاستها تعیین‌کنندهٔ آن بوده، یادآوری این نکات به خاطر آن است که هرآینه از نظر انتخاب آثار معرفی‌شده در این مجموعه، پرسشی برای خوانندهٔ عزیز پیش آید، پاسخی برای آن فراهم شده باشد. آنچه مسلم است چندین نفر از نام‌آورتران در جمع این سی و شش آهنگساز، آثار فراوانی هم در عرصهٔ ارکسترال و هم در زمینهٔ موسیقی مجلسی پدید آورده‌اند که جملگی منزلتی والا دارد و به آسانی می‌تواند در وصف آثار «ممتاز» بگنجد؛ ولی اگر مؤلف می‌خواست همهٔ آن آثار را معرفی کند کتابش از حجمی مقبول فراتر می‌رفت، بخصوص که از شماری از چنین ساخته‌ها، اجراهای ضبط‌شده‌ای همیشه در دسترس علاقه‌مندان قرار ندارد. در عین حال شاید برای برخی از خوانندگان نکته‌سنج و باریک‌بین، این پرسش پیش آید که آیا بجاست در کنار آثاری نظیر سنفنی *کورال* بتهوون، سنفنی *ژوپیتر* موزار یا سنفنی *چهارم* برامس، سخن از *کارناوال حیوانات* سن‌سانس، *پیتر و گرگ* پروکوفیف و یک *آمریکایی در پاریس* جرج گرشوین برود و همهٔ این آثار مشمول وصف «ممتاز» قرار گیرد؟ در پاسخ فقط گفته می‌آید که همگی آثار معرفی‌شده در این مجموعه از اصالت و ابداعی برخوردار است و به همین جهت نیز در این گلچین جمع آمده و قیاس بین آنها از برخی جهات اصولاً مطرح نیست. همهٔ این آثار با محک گذشت زمان سنجیده شده و سربلند بیرون آمده است. همهٔ این آثار مرتباً در سالنهای کنسرت کشورهای مختلف اجرا می‌شود، در ضبطهای جدید به بازار می‌آید و روز به روز علاقه‌مندان بیشتری می‌یابد. از همهٔ اینها گذشته، هرگلی بوی خود را دارد و مشامی را خوش می‌آید.

نکتهٔ دیگری در این کتاب جالب می‌نماید که نظر خواننده را به خود معطوف خواهد ساخت و شاید هم باز برایش پرسشی برانگیزد: مؤلف که معلوم می‌شود شنونده‌ای دقیق و موسیقی‌شناسی وارد است از هر یک از آثار معرفی‌شده، به تفاوت یک تا چند اجرا را با دقت و علاقه شنیده و سپس نکات مثبت و منفی هر یک از آن اجراها را باز نموده است. در این

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

کار، طبعاً نقش بس مهم و تعیین‌کننده رهبران ارکستر، تکنوازان استاد، اعضای دسته ارکستر و تکنیسینهای ضبط را چنانکه باید و شاید در نظر گرفته و در مورد هر یک، حق مطلب را تا آنجاکه مجال یافته ادا کرده است. از مطالعهٔ آنچه مؤلف پدید آورده، خواننده متوجه مطلبی بس جالب و آموزنده می‌شود: نقش رهبر ارکستر در معرفی یک اثر، بیش از آنچه در بادی امر به نظر می‌رسد تعیین‌کننده و سازنده است. یک اثر از بتهوون، مثلاً سنفنی پنجم وی وقتی از دو اجرای مختلف به رهبری توسکانینی و فورت‌وینگلر شنیده شود، تا حدی تعجب‌برانگیز متفاوت می‌نماید و این تفاوت ناشی از شخصیت رهبر ارکستر، طرز فکر و شیوهٔ برداشتش از آهنگساز و اثر وی و همچنین تابع زمان و مکانی است که اثر به مورد اجرا درآمده و ضبط شده است؛ همین نکته، به میزانی کمتر در مورد تکنوازان نیز مصداق می‌یابد. اجرای دو پیانیست یا دو تکنواز ویلن از یک کنسرتوی واحد می‌تواند از یکدیگر کاملاً متمایز باشد و این خود از یک نظر بر غنای آثار موسیقی کلاسیک بیشتر می‌افزاید.

چه‌بسا برای خوانندهٔ عزیز این ایراد مطرح شود که وقتی به صفحات موسیقی کلاسیک دسترسی میسر نباشد از دانستن تفاوتهای اجرای دو رهبر ارکستر چه سودی حاصل خواهد شد. این ایرادی بجاست؛ ولی باید گفته شود که خوشبختانه کاست آثار موسیقی کلاسیک که از روی صفحات با اجراهایی مختلف تهیه شده، به مقدار بیشتری در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد و گرچه نه در حد مطلوب و دلخواه، اما باز تا اندازه‌ای می‌تواند شوق و کنجکاوی در این رهگذر را ارضا کند.

ظرف یک دهه اخیر، پیشرفتهای چشمگیر و بدیعی در زمینهٔ تکنولوژی صفحه و کاست ویدئو حاصل شده که از نتایج آن، یکی عرضهٔ صفحه لیزری Compact disc است و دیگر ضبط کنسرتها بر روی کاست ویدئو را می‌توان نام برد. از محسنات کنسرتهای ویدئویی لذت مضاعف سمعی و بصری است و برخورداری از خاصیت آموزشی آن. وقتی یک اثر موسیقی، مثلاً یک سنفنی یا یک کنسرتو برای پیانو و ارکستر اجرا می‌شود

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

دوربینهای متعدد ضبط بر حرکات دست و چوب میزانهٔ رهبر ارکستر و همچنین بر قسمتهای مهم و قابل توجه دسته ارکستر متمرکز می‌شود و بدین‌ترتیب، شخصی که به اثر گوش می‌دهد در همان‌حال، توجهش به ساز یا دسته سازهایی که در هر لحظه سهمی در اجرای آن اثر دارند معطوف می‌گردد و معرفتش به نقش آن ساز یا دسته سازها بیشتر می‌شود.

آخرین نکته‌ای که بیانش در پایان این پیشگفتار ضروری می‌نماید، این است که علاقه‌مندی به موسیقی کلاسیک به هیچ روی مباینتی با دوست داشتن موسیقی اصیل ایرانی ندارد و این دو چون دو گل با رنگ و رایحهٔ دلپذیر و متفاوت است که می‌توان و باید از هر دو لذت برد؛ همچنانکه ما از آثار فردوسی و سعدی و حافظ و مولانا و دیگر نامداران ادب فارسی لذت می‌بریم و در همان‌حال آثار شکسپیر، گوته، ویکتور هوگو و سایر بزرگان ادب مغرب‌زمین را نیز با میل و رغبت مطالعه می‌کنیم به همان نهج می‌توانیم از شنیدن آواز شجریان همراه با یک دسته ازکستر اصیل ایرانی مشعوف شویم و در کنار آن، از آثار برجستگان موسیقی کلاسیک چون شوبرت، موتسارت و بتهوون بهره برداریم و بر حظ روحی خود بسی بیفزاییم و از این رهگذر علاوه بر افزایش معلومات و اطلاعات عمومی خویش به یک سرچشمه پایان‌ناپذیر لذت و آرامش روانی دست یابیم.

ع. ا. ب.

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

یوهان سباستیان باخ

تولد: آیزناخ، ۲۱ مارس ۱۶۸۵
درگذشت: لایپزیگ، ۲۸ ژوئیه ۱۷۵۰

خانوادهٔ باخ احتمالاً از نظر موسیقی پرثمرترین خانواده در تاریخ هنر به شمار می‌آید و یوهان سباستیان باخ به یقین بزرگترین فرد این خانواده است، همچنانکه باید براستی چون والاترین موسیقی‌دانان، گرامی داشته شود. البته گروه قابل توجهی مرکب از عموها، پسرعموها، خواهرزادگان، برادرزادگان و پسران، پیش از «باخ بزرگ» و پس از وی در شکل بخشیدن مسیر اندیشهٔ موسیقی اروپایی نقشی ایفا کرده‌اند و سهمی بر عهده داشته‌اند. یوهان سباستیان باخ در شهر آیزناخ آلمان، در تاریخ ۲۱ مارس ۱۶۸۵، زاده شد. وقتی به دهسالگی رسید هم پدر و هم مادرش از دنیا رفته بودند. پدرش به عنوان نخستین معلم موسیقی دروسی در ویلن به او آموخت و یوهان سباستیان فراگیری موسیقی را در منزل برادرش یوهان کریستف، جایی که از آن پس در آن مأوی گزید، دنبال کرده؛ هنوز کودک بود که با نسخه‌برداری از روی نسخهٔ دستنویس پارتیسیون چند اثر از ساخته‌های آهنگسازان «رادیکال» و «ممنوع» در روشنایی مهتاب، چشمانش سخت آسیب دید و تا پایان عمر از ضعف بینایی در رنج بود.

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

وقتی پانزده‌ساله بود صدای سوپرانوی لطیف وی موجب شد یک بورس تحصیلی در رشتهٔ موسیقی از طرف کلیسای سنت‌میکائیل در شهر لون‌بورگ نصیبش گردد. در آن‌زمان، یکی از بزرگترین استادان موسیقی، ارگ‌نواز هلندی موسوم به راینکن بود و باخ از فرط شوقی که به شنیدن آثاری توسط نوازندگان استاد داشت، چند بار از شهر لون‌بورگ پیاده تا هامبورگ راه سپرد تا از نوازندگی راینکن روی ارگ محظوظ گردد و نکته‌ها فراگیرد. در دههٔ بین ۱۷۰۷ و ۱۷۱۷، باخ هر زمان در یکی از دربارهای پرنس‌نشینهای آلمانی در مقامهای گوناگون انجام وظیفه می‌کرد. از جمله او را به عنوان ارگ‌نواز در شهرهای ارنشتاد، مولهازن و وایمار و سپس در مقام نوازندهٔ ارگ همراه با دستهٔ ارکستر در شهرهای لایپزیگ و درسدن می‌یابیم. باخ برای نخستین‌بار در اکتبر سال ۱۷۰۷، ازدواج کرد. همسرش، ماریا باربارا باخ دخترعموی وی بود که برای باخ هفت فرزند به دنیا آورد. چهار تن از این فرزندان در دوران شیرخوارگی مردند ولی سه فرزند دیگر، یک دختر و دو پسر جان سالم به‌در بردند و به ثمر رسیدند. این دو پسر، موسوم به ویلهلم فریدمن و کارل فیلیپ امانوئل بودند که هر دو در زمرهٔ آهنگسازان نامدار زمان خود درآمدند.

بین سالهای ۱۷۱۷ تا ۱۷۲۱، باخ را در مقام سرپرست دستگاه موسیقی و نوازندهٔ طراز اول دربار شاهزاده لئوپولد در شهر آنهالت ـ کوتهن می‌بینیم. شخص شاهزاده، موسیقی‌دانی آماتور و بسیار خوش‌ذوق و پرقریحه بود و خاطر باخ را بسی گرامی می‌داشت و او را به عنوان موسیقی‌دانی برجسته در دربار خویش محترم می‌شمرد. در سال ۱۷۱۹، باخ از شهر هاله دیداری کرد به امید آنکه در آنجا با هندل ملاقات کند؛ ولی چنین فرصتی نصیبش نشد؛ زیرا اندک‌زمانی پیش از آن، هندل هاله را به سمت لندن ترک گفته بود.

همسر باخ در سال ۱۷۲۰ بدرود زندگی گفت و باخ سال بعد برای بار دوم ازدواج کرد. همسر دومش موسوم به آنا ماگدالن وولکن، دختر ترومپت‌نواز شهر وایسن فلز بود. از این وصلت مجدد، سیزده فرزند پدید

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

آمد که نه‌تای آنها پسر بودند. از این پسران نیز چند تن در رشتهٔ موسیقی از خود درخششی نشان دادند که نامدارترین ایشان یوهان کریستیان بود. آنا ماگدالن خود موسیقی‌دانی پرمایه و خوش‌قریحه بود که قسمتهای مختلف بسیاری از کانتاتهای باخ را پرداخت. در سال ۱۷۲۳، باخ در مقام ارگ‌نواز و سرپرست و مدیر دستهٔ موسیقی کلیسای سن‌توماس در شهر لایپزیگ منصوب شد و آن مقام شریف و مهم را برای بیست و هفت سال، تا پایان عمر برای خویش محفوظ داشت.

زمانی که در دربار لایپزیگ به خدمت اشتغال داشت، بارها اجازه یافت به مرخصی برود و باخ از این فرصتها برای سفر به شهر درسدن سود می‌جست و در آن شهر، آخرین اپراهای ایتالیایی را که بر روی صحنه آورده می‌شد می‌شنید و محظوظ می‌گشت. در ماه مه سال ۱۷۴۷، بنا به دعوت فردریک کبیر به شهر پوتسدام سفر کرد. در آنجا روی پیانوهای متعدد وگوناگون ساخت زیلبرمن که در قصر پادشاه وجود داشت قطعاتی به صورت فی‌البداهه و ارتجالی اجرا کرد؛ در حالی که پادشاه و اعضای دسته ارکستر سلطنتی، باخ را از یک سالن به سالن دیگر همراهی می‌کردند. تا آن زمان کلیهٔ تصنیفات باخ برای سازهای غیرزهی و غیربادی، بر روی ارگ، هارپسیکورد و کلاویکورد انجام گرفته بود و بنابراین برای نخستین‌بار باخ فرصت آن‌را می‌یافت که روی پیانو نوازندگی کند. چون پیانو سازی بود که بتازگی در عرصهٔ سازهای موسیقی نمودار شده بود و فقط در دسترس دربارها و بعضی خانواده‌های اشرافی قرار داشت. روز بعد باخ روی ارگ بزرگ و مشهور شهر پوتسدام نوازندگی کرد و بر اساس تمی که توسط پادشاه پیشنهاد شده بود و در پشت همان ارگ، یک فوگ شش‌قسمتی را فی‌البداهه نواخت. بعداً باخ بر اساس همان تم، یک فوگ سه‌قسمتی، یک ری‌سرکاره شش‌قسمتی، چندین کانن و یک تریو برای فلوت، ویلن و کنترباس تصنیف کرد. مجموعهٔ این قطعات، مشهور به *موسیقی تقدیمی باخ* به فردریک کبیر اهدا شده است.

در سال ۱۷۴۹، باخ دو بار تحت عمل جراحی قرار گرفت تا بینایی

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

خود را بازیابد. چشمان باخ که از دوران کودکی صدمه دیده و ضعیف شده بود در سالهای میان‌سالی نیز در اثر آنکه از آثار خودش و سایر آهنگسازان نسخه‌برداری می‌کرد و از اثر مشهور و والای خویش تحت عنوان *هنر فوگ* با چاپ باسمه‌ای نسخه‌هایی پدید می‌آورد، ضعیفتر شده بود. متأسفانه آن دو عمل جراحی نتیجه‌ای مطلوب حاصل نکرد و باخ یک‌سره دستخوش نابینایی شد. از طرفی سلامتش که سالها با بنیه‌ای قوی همراه بود با شتاب رو به فتور نهاد. در دهم ژوئیه سال ۱۷۵۰، بینایی باخ به وضعی معجزآسا بار دیگر تأمین شد ولی ظرف سه هفته بعد از آن تاریخ، باخ در اثر خونریزی مغزی بدرود حیات گفت.

باخ در دوران زندگی‌اش به عنوان آهنگساز شهرتی نداشت و فقط شمار اندکی از آثارش در آن هنگام به چاپ رسید و انتشار یافت. نزدیک هشتاد سال بعد از درگذشت باخ، به سال ۱۸۲۹، وقتی مندلسن رهبری اولین اجرای پس از مرگ باخ را از اثر ممتاز وی به نام *پاسیون به روایت متای قدیس* عهده‌دار شد، دوستداران موسیقی تازه متوجه شدند که باخ چه نابغهٔ بزرگی در عالم موسیقی و آهنگسازی بوده است. در سال ۱۸۵۰، یعنی یکصد سال پس از مرگ باخ، مؤسسه کشف و معرفی باخ شروع به چاپ و انتشار کلیهٔ تصنیفات آهنگساز بزرگ کرد.

مجموعهٔ بس عظیم و غنی آثار باخ شامل صدها کانتات مذهبی و غیرمذهبی و کمیک، مس، موتت، ماگنیفیکات و پاسیون است. (که دو پاسیون به روایت متای قدیس و یوحنای قدیس از همه مشهورتر و عظیمتر است) علاوه بر اینها، باخ یک گنجینهٔ پُربها شامل قطعات فراوانی از آهنگهایی برای سازهای مختلف، از جمله چهل و هشت پرلود و فوگ «کلاویه تعدیل‌شده»، واریاسیونهای گلدبرگ، شمار جالب توجهی آثار پیانویی، برای ارگ تنها یا همراه با سایر سازها، سونات ویلن برای ویلن‌سل، فلوت و سازهای دیگر، تنها یا همراه سایر سازها، کنسرتوهایی برای یک، دو، سه و چهار ساز از خانواده هارپسیکورد، کلاویکورد و پیانو، کنسرتوهایی برای ویلن، شش کنسرتو موسوم به کنسرتوهای

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

براندنبورگ، و چهار سویت برای ارکستر، از خود به یادگار نهاده است که چون میراث گرانقدری، آهنگسازان بعد از وی را بانصیب ساخته.

موسیقی‌دانان قرن بیستم نسبت به آثار باخ علاقه و کنجکاوی آمیخته با تحسین بیشتری نشان داده‌اند و اکنون نکته‌ای مورد تصدیق و قبول همگان است که هیچگاه در تاریخ موسیقی، تا این حد که امروزه مشهود می‌افتد، نسبت به درک دقائق و ظرایف آثار باخ و اجرای منزه و آمیخته با اصالت این آثار، چنین شوق و علاقه‌ای نشان داده نشده است و چنین به نظر می‌رسد که گذشت زمان بر اهمیت و عظمت آثار این بزرگ‌مرد عالم موسیقی بیش از پیش می‌افزاید.

شش کنسرتوی موسوم به کنسرتوهای براندنبورگ

(در شماره‌گذاری آثار باخ از ۱۰۴۶ تا ۱۰۵۱)

دوران شش‌ساله‌ای که در فاصله سالهای ۱۷۱۷ تا ۱۷۲۳، یوهان سباستیان باخ در مقام کاپل‌مایستر شاهزاده لئوپولد، فرمانروای جوان شهر آنهالت ـ کوتهن به‌سر می‌برد یکی از پرثمرترین دوره‌های زندگی خلاق آهنگساز را تشکیل می‌داد. شاهزادهٔ جوان خود موسیقی‌دانی با استعداد و خوش‌قریحه بود و نسبت به هنرهای زیبا صمیمانه ارادت و اخلاص می‌ورزید و روابط باخ با او از آغاز کار بسیار گرم و دوستانه بود. در چنین محیط سرشار از دوستی و هنرپروری، باخ توفیق آنرا یافت که برخی از دلنشین‌ترین آثار موسیقی‌سازی خود را پدید آورد؛ زیرا در دربار شاهزادهٔ جوان، شماری از تکنوازان بسیار استاد و با استعداد و یک دسته ارکستر طراز اول در اختیار باخ قرار داشت.

با توجه به مراتب یادشده، شاید به نظر شگفتی‌آور برسد که چرا باخ وقتی شش کنسرتوی نفیس در دربار شاهزادهٔ کوتهن تصنیف کرد بجای

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

آنکه آن کنسرتوها را به شاهزادهٔ حامی خود تقدیم کند، آنها را به مارگراف کریستیان لودویگ، جوانترین پسر گراند دوک براندنبورگ که باخ او را در سال ۱۷۱۸، در برلن ملاقات کرده بود اهدا کرد. امروزه صاحبنظران عالم موسیقی ظاهراً این فرضیهٔ قدیمی را که انگیزهٔ باخ از تصنیف و اهدای شش کنسرتوی مزبور به مارگراف، انجام دادن سفارشی بوده که از طرف مارگراف به او داده شده است، مردود می‌شمارند و نظر عموم دست‌اندرکاران و صاحبنظران در حال حاضر چنین است که در اوایل سال ۱۷۲۱، روابط باخ با شاهزاده لئوپولد، دیگر به آن گرمی و صفای سالهای نخستین نبوده و بنابراین باخ نمی‌خواسته است کنسرتوهای ششگانه را به او اهدا کند. موسیقی‌شناس آلمانی موسوم به هاینز به‌کر بر این باور است که باخ پس از آگاه شدن از این نکته که مارگراف یک دسته ارکستر نفیس و طرازاول و جمع‌وجور در شهر برلن در دستگاه خود دارد، بر آن شد که از بین مجموعه‌ای از کنسرتوهایش که تا آن زمان تصنیف کرده بود شش‌تای آنها را برگزیند و با قید جملهٔ هدیه به مارگراف آنها را به چاپ برساند و برای او ارسال دارد. در واقع منظور غایی باخ از اهدا شش کنسرتوی یادشده این بود که نشان دهد به عنوان یک آهنگساز آثار ارکسترال تا چه پایه مهارت و استادی دارد و در همان‌حال به مارگراف بفهماند که هرآینه پیشنهادی دریافت دارد تا به برلن برود و در مقام کاپل‌مایستر مارگراف به خدمت مشغول شود، از چنان پیشنهادی استقبال خواهد کرد. ولی به هر حال چنین پیشنهادی به باخ نرسید و او در سال ۱۷۲۳ کوتهن را ترک گفت و به شهر لایپزیگ رفت تا انجام وظایف «کانتور» را در کلیسای سنت‌توماس آن شهر عهده‌دار شود. این مقامی بود که باخ در حدود سی سال یعنی تا زمان مرگش برای خویش محفوظ داشت ــ سالهایی که ضمن آن قدرت خلاقیت او در آن جهت شکل یافت که عالیترین و والاترین آثار موسیقی کلیسایی را بیافریند.

با تصنیف شش کنسرتوی براندنبورگ، باخ میراث گرانقدری در عالم موسیقی بر جای گذاشت که در آن نمونه‌ای واقعی و اصیل از هنر به کار

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

گرفتن سازها در شیوهٔ باروک عرضه می‌گردد و شاهدی بی‌نظیر و تحسین‌برانگیز از بافت‌ها و طنین‌اندازی‌هایی که از عهدهٔ یک دسته ارکستر دوران باروک برمی‌آید، نموده می‌شود. در طی چندین دهه، این شش کنسرتوی عالی و ممتاز به عنوان آثاری متعالی و محبوب مورد تحسین علاقه‌مندان موسیقی قرارگرفته و چون نمونهٔ ممتاز و برجسته‌ای، بیشتر از کلیه آثار دوران باروک بر روی صفحات گرامافون و سپس بر روی کاست ضبط شده و در اختیار دوستداران قرار گرفته است. هر یک از این کنسرتوها برای دستهٔ خاصی از سازهای ارکستر تنظیم شده و به‌غیر از کنسرتوهای سوم و ششم که فقط از سازهای زهی مدد می‌گیرد، هر یک از چهار کنسرتوی دیگر در قالب کنسرتو گروسوی دوران باروک طرح‌ریزی شده است. در این قالب معمول دوران باروک، معمولاً دو دسته از سازهای موسیقی به شیوه‌ای متضاد در برابر یکدیگر قرار می‌گیرد: یک دستهٔ کوچک از سازهای سلو (تکنوازان) که «کنسرتینو» نامیده می‌شود در برابر دستهٔ بزرگی از نوازندگان ارکستر که «ری‌پی یه‌نو» خوانده می‌شود، واقع می‌گردد و هنرنمایی به نوبت و سپس دسته‌جمعی این دو دسته، سراسر اثر را مشحون از نغمات فریبنده می‌سازد.

سازهای قسمت کنسرتینو در کنسرتو براندنبورگ شماره یک عبارت است از دو شیپور «مخصوص شکار» (منظور شیپوری است که در آن سوپاپ تعبیه نشده و در نتیجه هنگام نواختن می‌توان از آن هارمونی‌های ممتدی پدید آورد)، سه‌ابوآ، یک باسون (که تقریباً در اغلب موارد نقش ویلن‌سل را تکمیل می‌کند) و سازهای موسوم به ویلن پیکولو (ویولینو پیکولو) که «کوارتر گابگه» نیز نامیده می‌شود. این ساز که استفاده از آن امروزه دیگر معمول نیست همچنانکه از اسمش معلوم می‌شود ویلن کوچکی به حجم سه‌چهارم ویلن معمولی بوده است که نسبت به ویلن معمولی یک‌سوم زیرتر کوک می‌شده. طبعاً حجم کوچک این ساز به وضع محسوسی قدرت کشش نغمات آن‌را کاهش می‌داده است. آهنگساز و پیانیست و موسیقی‌شناس معروف انگلیسی موسوم به سر دانلد

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

فرانسیس‌تووی دربارهٔ این ساز چنین نوشته است: «این ویولینو پیکولوسازی است که پیوسته تلاش می‌کند؛ ولی کمتر موفق می‌شود در قیاس با سایر سازهای سلو، در سراسر آثار موسیقی کلاسیک برای خود جای چشمگیری باز کند.» در اجراهای امروزی کنسرتو براندنبورگ شماره یک معمولاً به جای ویولینو پیکولو از ویلن معمولی استفاده می‌شود. در نخستین موومان کنسرتو، تکنواز ویلن همراه با سایر ویلن‌نوازان بخش «ری‌پی یه‌نو» نغمه‌سرایی و هنرنمایی می‌کند، ولی در موومان آهسته کنسرتو به عنوان صدایی مشخص و متمایز از سایر سازها به جلوه‌گری می‌پردازد و همین نقش متمایز و جالب را تا پایان اثر برعهده می‌گیرد. یک جنبهٔ جالب‌توجه و برجستهٔ کنسرتو براندنبورگ شماره یک، موومان سوم آن است که در فرم منوئه تصنیف شده و در سراسر آن سه تریو به نحوی مشخص به گوش می‌رسد: تریوی اول فقط برای دو ابوآ و باسون تنظیم شده، تریوی دوم که به فرم پولونز است برای سازهای زهی و تریوی سوم برای شیپورها و ابوآهاست.

سازهای سلو در کنسرتو براندنبورگ دوم عبارت است از: ترومپت، فلوت، ابوآ و ویلن. برای نقش ترومپت نغمه‌های بسیار دلنشینی نوشته شده که اجرای آن به نحو شایسته، کار نوازنده‌ای است که در نواختن این ساز واقعاً استاد باشد. باخ این کنسرتو را طوری تصنیف کرده که در آن از بالاترین دانگ‌ساز کلارینو یا ترومپت کوچک و از زیرترین نوای ترومپت‌های معمول در زمان آهنگساز استفاده شده است و واضح می‌نماید که در تصنیف آن باخ، نوازندهٔ استاد و طراز والایی را که در نواختن این ساز شهرتی به هم رسانده بوده در مد نظر داشته ا ست. نوازندگان کلارینو در دوران باخ قادر بودند با آموزش و تمرین خاصی که به لبها و طرز دمیدن در ساز خود می‌دادند و در پرتوی تمرکز و دقت منحصر روی تکنیکهای مورد نیاز، نتهای زیر قطعاتی راکه اجرا می‌کردند پدید آورند. در دوران ما برای حل این دشواری از راههای متعدد و مختلفی اقدام شده است: برخی از نوازندگان سازهایی را به‌کار می‌برند که

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز

به سفارش مخصوص برای آنان طراحی و ساخته شده و همچنین بعضی از رهبران ارکستر در موقع اجرای این کنسرتوی باخ با به‌کار بردن سازهای دیگری کوشیده‌اند تا حد امکان نغمه‌های مورد نظر آهنگساز بزرگ را تجسم بخشند. به عنوان مثال، توسکانینی به جای ترومپت از کلارینت می‌بمل استفاده کرده و پابلو کاسالز، نوازندهٔ مشهور ویلن‌سل که در عین حال در نقش رهبر ارکستر نیز بر روی صحنه ظاهر می‌شده در یکی از برنامه‌هایش که به مناسبت برگزاری یکی از فستیوالهای موسیقی اجرا می‌شده ساکسوفن سوپرانو را جانشین ترومپت ساخته است. یکی از جنبه‌های بسیار غیرعادی و قابل توجه این کنسرتو که ساختمانی معظم دارد، بر شنوندگان تأثیری نیروبخش برجای می‌گذارد و در سه موومان تصنیف شده است، نبودن سازهای مربوط به بخش «ری‌پی یه‌نو» و همچنین عدم استفاده از کلارینت در نقش ساز سلو در سراسر موومان دوم است. این موومان به صورت مکاشفه‌ای در سه بخش برای سه ساز تنهای فلوت، ویلن و ابوآست و در سراسر این احوال هارپسیکورد باس با این سازها همراهی می‌کند.

کنسرتو براندنبورگ سوم کوتاهترین این شش کنسرتو است و فقط از دو موومان آلگرو تشکیل می‌گردد که برای سازهای زهی تصنیف شده و حدفاصل بین دو موومان، دو آکورد چندنتی در سی‌مینور است که به یاری آن یک تضاد صوتی جالب بین تونالیتهٔ سل ماژور دو آلگرو پدید می‌آید. واضح می‌نماید که باخ انتظار داشته است نوازندگانش در هنگام اجرای این قسمت حدفاصل بین دو موومان، دو آکورد یادشده را به رسم معمول دوران باروک، به ذوق خود آرایش کنند و برگرد آن از خویشتن قریحه و هنرنمایی نشان دهند. با اینکه در دوران ما نیز نوازندگان معاصر همین شیوهٔ مرسوم دوران باروک را رعایت می‌کنند، هنوز برخی از رهبران ارکستر هستند که ترجیح می‌دهند دو آکورد حدفاصل بین دو موومان کنسرتو به شیوه‌ای بدون پیرایه و به همان رنگ و لحن اصلی نواخته شود. در عین حال رهبران دیگری نیز هستند که در موقع نواختن این دو آکورد،

بتهوون
مرکز موسیقی بتهوون شیراز